مرور مباحث ترم اول

متولیان_فروغ دانش

شاخه های دانش ادبیات: (در متوسطه اول و دوم)

۱_ دستور زبان

۲_ آرایه های ادبی

۳_ معنی و درک مطلب

۴_ تاریخ ادبیات

۵_ نگارش و املا

متولیان_فروغ دانش

دستور زبان:

متولیان ـ فروغ دانش

۱_ جمله: مجموعه ای از کلمات که در کنار هم قرار می گیرند و معنی مشخصی را به شنونده می رساند.

۲_ انواع جمله (محتوا):

۱_ خبری . علی به خانه باز گشت

۲_ عاطفی ! کاش نوبت بازی ما باشدو دیگر هر گز نوبت بازی دنیا نشود

۳_ امری . عقل می گفت برو، عشق می گفت بمان سوء تفاهم شده است

۴_ پرسشی ؟ سخن دانی به که ختم است ؟

۳_ تعداد جمله:

۱_ فعل ها

۲_ فعل های حذف شده

۳_ شبه جمله ها(۱: اصوات ۲: منادا)

مثال : بُرید و دُرید و شکست و بِبست (۱ ۲ ۳ ۴) یلان را سر و سینه و پا و دست

تلاش کردن رمز موفقیت است[۱].

من آن نیم[۱] که تو را رها بکنم[۲]

تو نیز اگر بخفتی[۱] به از آن[۲] که در پوستین خلق افتی[۳]

هان[۱]، ای دل عبرت بین[۲] از دیده عبر کن[۳] هان[۴]

هم خانواده:

۱_سه حرف اصلی(ریشه) آنها یکی باشد

۲_سه حرف اصلی(ریشه)آنها به ترتیب یکی باشد

۳_معنی آنها بهم نزدیک باشد

مثال:

مقصد_قصد_مقصود (ریشه قَصَدَ)

مظلوم_ظلم_ظالم (ریشه ظَلَمَ)

علم_عمل (ریشه و معنی ها متفاوت اند _عَلَمَ و عَمَلَ)

نهاد: کلمه یا کلماتیست که در مورد آن خبری می دهیم

ـ برای پیدا کردن نهاد می توان:

(چه کسی و چه چیزی) را از فعل جمله می پرسیم و همینطور به شناسه توجه کنیم

مثال: بنی آدم اعضای یک پیکرند.

(من – محذوف) ای هد هد صبا به خدا می سپارمَت.

فعل: به کلماتی که به روی دادن حالتی و یا انجام گرفتن کاری دلالت می کنند

- ۱_ شخص ۲_ شمار ۳_ زمان
- مهمترین بخش جمله است
- براساس نقش پذیری ۲ دسته اند: ۱_گذرا ۲ _ ناگذر

علی آمد. ناگذر علی کتاب را خواند. گذرا

مفعول :

برخی از فعل ها برای کامل کردن معنای جمله **علاوه بر نهاد به مفعول** نیز نیاز دارند.

ـ روش های یافتن مفعول در جمله:

۱ـ کلمه ای که قبل از را (نشانه مفعولی) می آید.

خیالت را از روز های بد، راحت کن

۲ـ هر کلمه ای که را بپذیرد .

بصر منتهای جمالش نیافت

۳ـ پرسیدن سوال چه کسی را یا چه چیزی را + فعل جمله

دوست دارم که تورا شاد ببینم ای دوست.

متمم:

برخی از فعل ها برای کامل کردن معنای جمله **علاوه بر نهاد به متمم** نیز نیاز دارند.

مانند: جنگید، آویخت، گروید، نازید و ...

راه تشخیص متمم در جمله: کلماتی که بعد از حروف اضافه قرار می گیرند را متمم می گوییم

حروف اضافه شامل: از، به، با، در، برای، مثل، همچون، مانند، مگر بجز، الا، اندر، بدون، بهر غیر، تا(اگر نشان دهنده مسافت باشد) و...

مثال: عقل گریخت از سرم، صبر پرید از دلم

فعل اسنادی: به روی دادن حالتی دلالت می کنند یا چیزی را به چیز دیگر نسبت می دهد. (اسنادی یا ربطی)

فعل های اسنادی شامل: است، بود، شد، گشت و گردید (و مشتقات آن ها)

نکته: است و بود به معنی وجود داشتن و گردید به معنی چرخیدن و گشت و گذار نباشد

مثال: من چقدر از شنبه ها بیزار بودم.

مسند: در جمله هایی که فعل اسنادی دارند، نقشی وجود دارد که حالتی را به نهاد نسبت می دهد، به آن نقش مسند می گوییم.

روش یافتن مسند در جمله: پرسیدن سوال چطور یا چگونه + فعل اسنادی

مثال: زندگی، مثل کبریت کشیدن در باد دشوار است

ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود

برای گفتن از دوست شکوه ها به دلم بود (غیر اسنادی ، به معنی وجود دارد)

گروه اسمی: به تعداد نقش های دستوری در جمله (نهاد، مفعول، مسند و متمم)، گروه اسمی داریم .

هر گروه اسمی یک هسته وممکن است یک یا چند وابسته داشته باشد (وابسته اختیاری و هسته اجباری است)

بهترین روش تشخیص هسته گروه اسمی در جمله:

اولین کلمه ای که کسره می گیرد — سپاهِ دشمن

اولین کلمه ای که «ی» نکره داشته باشد — مردی بزرگ

اولین کلمه ای که بعد از آن حرف اضافه بیاید — فرار از دشمن

اگر هیچ یک نبود، آخرین واژه هسته است — این چهار معلم

صفت بیانی: (وابسته پسین)

در هر گروه اسمی هر کلمه ای بعد از هسته بیاید و درباره چگونگی و ویژگی های اسم توضیحاتی را بیان کند، صفت بیانی نام دارد

مثال: خدای مهربان به بندگان مخلص توجه ویژه دارد

به ترتیب، خدا، بندگان و توجه هسته گروه نهادی متمم و مفعولی هستند

و مهربان، مخلص و ویژه، صفت بیانی هستند برای هسته های گروه اسمی

آرایه‌های ادبی:

متولیان ـ فروغ دانش

تشبیه: مانند کردن چیزی به چیز دیگر به جهت شباهت

مثال: وجود تو همچو گلبرگ تری هست لطیف

ارکان تشبیه: ۱_ مشبه ۲_ مشبه به ۳_ ادات تشبیه ۴_ وجه شبه

وجود تو : مشبه _ همچو : ادات تشبیه _ گلبرگ تر : مشبه به _ لطیف بودن : وجه شبه

تشخیص: نسبت دادن ویژگی های انسانی به غیر از انسان

ـ خواهم شدن به میگده گریان و داد خواه کز دست غم خلاص من آنجا مگر شوم

(غم به انسانی تشبیه شده که حافظ قصد فرار از دست او را دارد)

ـ گل بخندید و باغ شد پدرام

(خندیدن که ویژگی انسان است به گل نسبت داده شده است)

ـ گاه تنهایی صورتش را به پس پنجره می چسبانید...

(صورت داشتن به گل نسبت داده شده و آن گل صورتش را به پنجره چسبانده)

کنایه: بکاربردن سخنی که، دو معنی دور و نزدیک به ذهن دارد و مراد گوینده معنی دور باشد

مثال: در آن اجاق کهن آتشی نمی سوزد در آن اتاق تهی پر نمی زند مگسی

(خالی و تهی بودن)

بر در کسی بالین نهادن (محتاج کسی بودن)

انگشت به دندان گزیدن (پشیمان و حسرت)

مراعات النظیر: آوردن واژه هایی از یک دسته که با هم هماهنگی دارند

مثال:

دردیست درد عشق که هیچش طبیب نیست گر دردمند عشق بنالد غریب نیست

یکی گردیم در گفتار و در کردار و در رفتار زبان و دست و پا یک کرده خدمتکار هم باشیم

واج آرایی: بکار بردن یک یا چند واج صامت یا مصوت در شعر یا نثر

مثال: نقش مستوری و مستی نه به دست من و توست آن چه سلطان ازل گفت بکن آن کردم (واج آرایی حرف س)

جهان فانی و باقی فدای عارض ساقی (واج آرایی مصوت آ)

دلِ دردمندِ منِ خسته جانِ غریب (واج آرایی مصوت ـِـ)

رسم عاشق کشی و شیوه شهر آشوبی جامه ای بود که بر قامت او دوخته بود (واج آرایی حرف ش)

تلمیح:

زمانی که شاعر یا نویسنده بصورت غیر مستقیم در اثر خود به داستان، حکایت، رویداد تاریخی، آیه، روایت و یا حدیثی اشاره کند از آرایه تلمیح استفاده کرده است

مثال: عشق با دشوار ورزیدن خوش است چون خلیل از شعله گل چیدن خوش است

(اشاره به گلستان شدن آتش برحضرت ابراهیم (ع))

همچو یوسف به بر تخت بر آیی از چاه (اشاره به داستان حضرت یوسف)

برو ای گدای مسکین در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدارا

(اشاره به آیه ماعده ۵۵)

تکرار: بکار بردن دو یا چندین بار یه یک واژه به جهت گوش نوازتر کردن کلام

مثال: _زاهد دهدم پند ز روی تو زهی روی هیچش ز خدا شرم و ز روی تو حیا نیست

_عشق بازی را تحمل باید ای دل پای دار گر ملالی بود بود و گر ملالی رفت رفت

قافیه و ردیف:

قافیه: کلماتی که در انتهای هر مصراع آورده می شوند و در وزن و حروف آخر یکسان اند

ردیف: کلماتی که در آخر مصراع ها بعد از قافیه می آیند و عینا تکرار می شوند ردیف نام دارد

نکته: قافیه اجباری و ردیف اختیاری است.

مثال: ـ چیزی نپرس حال دلم روبراه **نیست** بگذر که شرح قصه من دل بخواه **نیست**

ـ نسبت عشق به من نسبت جان است به **تن** تو بگو من به تو مشتاق ترم یا تو به **من**

قالب شعری مثنوی:

در تمام بیت های مثنوی، قافیه وجود دارد اما هر بیت قافیه جداگانه دارد
یعنی، قافیه های هر بیت با بیت دیگر متفاوت است.

شکل قرار گرفتن قافیه:

ب _____ ب _____

ج _____ ج _____

د _____ د _____

از مثنوی سرایان نامدار: ۱_فردوسی_نظامی_عطار_سنایی_مولوی_ جامی

نکته: به جهت شکل قرار گرفتن قافیه برای بیان موضوعات طولانی بکار می رود

تفاوت ساختار و محتوا:

ساختار: شکل و ظاهر اثر و به عبارتی قالب و ظرف اثر است

محتوا: مفاهیم و افکار نهفته در اثر است

برای بررسی ساختار یک اثر پرسش هایی وجود دارد :

۱_ اثر به نظم است یا به نثر

۲_ اثر ادبیست یا زبانی

۳_ کلمات اثر ساده است یا دشوار؟

ادبیات تعلیمی:

نوشته هایی که راه بهتر زیستن و خوشبختی و سعادت را نشان می دهند

و با هدف تعلیم و تربیت ایجاد شده اند.

بهترین نمونه های ادبیات تعلیمی ایران: بوستان و گلستان سعدی _ مثنوی مولانا _ کلیله و دمنه

تاریخ ادبیات:

متولیان_فروغ دانش

تاریخ ادبیات (ترم اول)

زندگی نامه یک از انتهای کتاب مطالعه شود

۱_مستوره کردستانی
۲_سعدی شیرازی
۳_هاتف اصفهانی
۴_قیصر امین پور
۵_قا آنی شیرازی
۶_صائب تبریزی
۷_مصطفی رحماندوست
۸_فردوسی
۹_ایرج میرزا
۱۰_محمد حبله رودی
۱۱_میر جلال الدین کزازی
۱۲_جامی
۱۳_محمود حکیمی

متولیان_فروغ دانش

معنی و درک مطلب :

متولیان ـ فروغ دانش

_ لغات مهم (۹درس) و معنی شعرها (۶ شعر) و معانی متون و حکایت ها، (۵ متن و ۳ حکایت) از فایل های ارسالی مطالعه شود.

_ خود ارزیابی ها و فعالیت های نوشتاری کتاب مرور شود.

_ نکات ادبی، زبانی و مفهومی گفته شده در درس های مطالعه شود.

حالتون بخیر...

متولیان ـ فروغ دانش

Copy protected with Online-PDF-No-Copy.com